حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#تحریم_دارو

صفری از شیراز:

داروهای خارجی که مشابه داخلی ندارد بسیار گران است و تهیه آنها برای اقشار ضعیف و متوسط جامعه غیرممکن است.

#مترو_تهران

نجاتی از تهران:

از مسؤولان مترو درخواست می‌شود تا اتاق‌های مادر و کودک را روی نقشه‌های داخل واگن‌های قطار نشان دهند تا مادران از این خدمت ارزشمند مسؤولان متروی شهر تهران استفاده بیشتری کنند.

#مواد_شوینده

کریمی از شریف‌آباد:

ماسک، مواد ضدعفونی‌کننده و حتی مواد شوینده و بهداشتی در شهر شریف‌آباد پیدا نمی‌شود و نیاز به توجه و رسیدگی بیشتر دولت و وزارت بهداشت در این شهر دیده می‌شود.

#ویروس_کرونا

شیخی از تهران:

امیدوارم با کاهش ساعات کاری ادارات و محدودیت در رفت‌وآمد مردم در شهر تهران، بیماری کرونا کنترل و مهار شود.

#ساخت_و_ساز

بلقار از تهران:

به علت ساخت و ساز در کوچه شهید اردانی واقع در شهرک شریعتی، درختان این کوچه خشک شده‌اند. از شهرداری محترم منطقه ۱۹ درخواست درختکاری مجدد را دارم.

#ویروس_کرونا

بخشنده از ساری:

امیدوارم دولت محترم علاوه بر کنترل بیماری کرونا، تورم و گرانی را نیز مهار کند و اجازه افزایش قیمت به هیچ یک از کالاهای مصرفی مردم را ندهد.

#قیمت_گوشت

نوری از تهران:

قیمت گوشت قرمز و مرغ افزایش بسیاری داشته است شهروندان بازهم در نزدیکی ایام عید شاهد افزایش قیمت این اقلام هستند.

#آزمایش_کرونا

یک شهروند:

برخی از آزمایشگاه‌ها برای آزمایش کرونا بیش از ۵۰۰ هزار تومان پول از مراجعان دریافت می‌کنند! آیا این مبالغ قانونی است؟

#مصرف_دستکش

یک شهروند از تهران:

این روزها جوی‌های آب و خیابان‌ها پر از دستکش‌های یکبارمصرف رها شده است. اگر کرونا آسیب جدی نزند، رعایت نکردن بهداشت حتما این کار را می‌کند.

مینی‌بوس جابزی این روزها به سراغ کودکان کار می‌رود و نکات بهداشتی را به آنها آموزش می‌دهد

به مناسبت روز احسان و نیکوکاری، سراغ مینی‌بوس جابزی و سرنشینانش رفتیم که نوع دیگری از نیکوکاری را این روزها به تصویر می‌کشند

مینی‌بوس مهربانی

نرگس خانعلی‌زاده

جامعه

بالاخره این روزهای کرونازده هم می‌گذرد و همه چیز مثل قبل می‌شود اما شاید تنها دستاوردی که از این دوران داشته باشیم، شناختن آدم‌هایی است که خودشان را نشان دادند و اثبات کردند که نسبت به این روزهای سخت بی‌تفاوت نیستند و برای آسان کردنش، قدم برمی‌دارند؛ هرچند کوچک، اما باارزش. مثل کادر آموزشی مدرسه کودکان کار صبح رویش که با وجود تعطیلی مدارس، آنها فعالیت‌شان را تعطیل نکرده‌اند. حالا کافی است به طور اتفاقی به یکی از چهارراه‌های پرتردد در تهران سر بزنید؛ آن‌وقت اگر خوش‌شانس باشید، مینی‌بوس خوش‌آب و رنگی را می‌بینید که تعدادی معلم با ماسک و دستکش از آن پیاده می‌شوند و بچه‌های سر چهارراه‌ها را دور خودشان جمع می‌کنند و از کرونا می‌گویند و می‌خندند. از غولی که قرار است این بچه‌ها، آن را شکست بدهند. ما هم روایت این روزهای اهالی صبح رویش را از زبان محمدحسن داوودی، مدیر مدرسه صبح رویش شنیدیم.

آقای داوودی از تصمیمی که تیم صبح رویش برای آموزش بچه‌ها در این روزهای بحران، گرفته است می‌گوید. آموزشی که با بقیه روزها فرق دارد؛ اما آخر بچه‌ها که تعطیل شده‌اند، دیگر چه آموزشی؟: «موضوع بیماری کرونا که پیش آمد، پیش خودمان فکر کردیم اتفاقا در این روزها بچه‌های کار بیشتر از هرکسی نیاز به آموزش برای رعایت نکات بهداشتی دارند. واقعا کسی نیست به این بچه‌ها یاد بدهد که اصلا کرونا چه هست و باید در مقابلش چه‌کار کرد؟ نه تلویزیون می‌بینند، نه از اخبار فضای مجازی مطلعند، نه پدر و مادرهایشان آگاهی کامل دارند و در واقع اصلا در جریان ماجرای جامعه نیستند. این‌طوری هم خودشان در خطر بیماری هستند و آسیب می‌بینند و هم این‌که ممکن است ناقل بیماری باشند و ناخواسته و ندانسته، آن را بیشتر در جامعه گسترش بدهند و موجب شیوع بیشتر کرونا شوند. از طرف دیگر چون تعطیل شده بودند هم فرصتی برای آموزش به بچه‌ها نداشتیم. برای همین هم تصمیم گرفتیم خودمان دست به کار شویم و سراغشان برویم و هرچیزی را که لازم است در این دوران بدانند، داشته باشند و رعایت کنند یادشان بدهیم.»

و همین شروع ماجرایی بود که این روزها آقای داوودی و همکارانشان راه انداخته‌اند. آنها سوار بر مینی‌بوس اختصاصی مدرسه به نام جابزی می‌شوند و سر چهارراه‌هایی که کودکان کار دارند، توقف چند ساعته‌ای دارند.

یک چیزی مثل جیمبو

جیمبو را یادتان هست؟ آن هواپیمای کارتونی که همه خاطره‌های خوشی از کارهایش داشتیم؟ جابزی هم چیزی شبیه جیمبو است؛ با این تفاوت که یک مینی‌بوس با چشم‌های درشت است که فقط محدود به کارتون‌ها نیست و واقعی‌تر از این حرف‌هاست. جابزی به طور واقعی به کمک بچه‌های کار می‌رود: «جابزی مخففی از جایی برای بازی یا جایی برای زیستن است. در واقع جابزی مینی‌بوس مدرسه صبح رویش است که در طول سال تحصیلی، همراه با معلم‌های مدرسه به سر چهارراه‌ها و آن مناطقی که کودکان کار بیشتری حضور دارد، می‌رود و به آن بچه‌هایی که نمی‌توانند به مدرسه بیایند، درس آموزش می‌دهد.» در واقع به جای این‌که بچه‌ها به مدرسه بروند، جابزی مدرسه را به آنجا که بچه‌ها هستند، می‌برد. مدیر مدرسه می‌گوید: «اصلا هم قرار نیست بچه‌ها در مینی‌بوس بنشینند و مثل مدرسه درس بخوانند. ما با بازی و داستان و خنده، سعی می‌کنیم مهارت‌هایی را که هر انسانی لازم است در زندگی بلد باشد به بچه‌ها یاد بدهیم. راستش چند روز که از شیوع کرونا گذشت، جابزی هم بیکار و تعطیل شده بود، اما پیش خودمان فکر کردیم اتفاقا این روزهاست که بچه‌ها بیشتر از همیشه به آموزش نیاز دارند. همین شد که سوار مینی‌بوس‌مان شدیم و استارت حرکتش را زدیم و سراغ بچه‌ها رفتیم.»

بازی با رعایت نکات بهداشتی

حالا این روزها و در سر چهارراه‌ها، اعضای صبح رویش با روش بازی و قصه، درباره ویروس کرونا و خطراتش برای بچه‌ها می‌گویند: «ما سوار جابزی می‌شویم و به چهارراه‌هایی که می‌شناسیم می‌رویم و بچه‌ها را جمع می‌کنیم. حتی از آنها می‌خواهیم دوستانشان را هم صدا کنند تا همگی دور هم باشیم. بعد از آن با رعایت مواردی که می‌دانیم و مثلا مراقبیم که تجمع زیاد اتفاق نیفتد و با فاصله ایمنی، بین بچه‌ها ژل ضدعفونی‌کننده، محلول‌های بهداشتی، ماسک و دستکش پخش می‌کنیم.

بعد از آن هم درباره ویروس کرونا با بچه‌ها حرف می‌زنیم و یادشان می‌دهیم که چطور می‌توانیم آن را شکست بدهیم. می‌دانید چه است؟ این‌که بچه‌های کوچک به‌خصوص کسانی که کار می‌کنند، هیچ درکی از ویروس خیلی کوچکی که دیده نمی‌شود و می‌تواند آسیب‌زا باشد ندارند. برای همین وظیفه ماست که با بازی و خنده، مفهوم ویروس را یادشان بدهیم و بعد که آگاه شدند، نکات بهداشتی را به آنها گوشزد کنیم. آن‌وقت هم خودشان بیشتر رعایت می‌کنند و هم دانسته‌هایشان را به محیط خانواده‌هایشان می‌برند و پدر و مادرشان را هم مطلع می‌کنند. این‌طوری، آگاهی مردم به ویروس در جامعه هم بیشتر می‌شود.»

کسانی که سوار جابزی می‌شوند و به سرچهارراه‌ها می‌روند، کاملا به خطراتش آگاه هستند، اما باز هم دل را به دریا زده‌اند و داوطلب این کار نیک شده‌اند؛ اقدام فداکارانه‌ای که کمک بسیار زیادی به بچه‌ها و به کل جامعه برای از بین بردن ویروس کرونا می‌کند: «گاهی وقت‌ها به این فکر می‌کنیم که یک روز خدماتمان، چقدر می‌تواند این بچه‌ها را آگاه کند؟ چقدر از شیوع ویروس جلوگیری می‌کند؟ همین فکر و خیال‌ها باعث می‌شود که مصمم‌تر از قبل در روزهای پیش‌رو این روند را ادامه بدهیم.

مثلا ما به صورت گالونی مواد ضدعفونی خریدیم و شیشه‌های پلاستیکی کوچکی را از آنها پر کردیم و دست بچه‌ها دادیم و به آنها قول دادیم که چند روز دیگر برویم و آنهایی را که خالی شده دوباره پر کنیم.» آنها به بچه‌ها بطری‌های آب معدنی داده‌اند و سفارش کرده‌اند در این روزها آب زیاد بخورند. هر روز برایشان قرص جوشان ویتامین c می‌برند. قرار است در روزهای آینده، آبمیوه طبیعی تهیه شده در شرایط بهداشتی نیز برایشان ببرند که مقاومت بدن بچه‌ها بالا برود حتما می‌دانید اکثر آنها سوءتغذیه دارند و سیستم ایمنی بدنشان ضعیف است.

همه دست به دست هم

زندگی+

در این اوضاعی که هر داروخانه‌ای کاغذ ماسک، دستکش و الکل نداریم به در و دیوارش چسبانده است، بچه‌های صبح رویش، وسایل بهداشتی را به دست کودکان کار سرچهارراه‌ها می‌رسانند: «تا جایی که توانستیم و گیرمان آمد، یک‌سری بسته‌های بهداشتی شامل ماسک و دستکش و ژل ضدعفونی، آماده و بین بچه‌ها در نقاط مختلف توزیع کردیم. در این بین کمک‌های مردمی هم خیلی به ما رسید. مثلا یک آقایی نزدیک به ۱۵۰۰ ماسک را به قیمت بسیار گران خریده بود و آن را کاملا رایگان به ما داد تا بین بچه‌های کار پخش کنیم.» البته آقای داوودی می‌گوید یک سری از شهروندان در سر چهارراه‌ها، به بعضی از این بچه‌ها ماسک داده بودند و به آنها گفته بودند ماسک بزنید، اما بچه‌ها علتش را نمی‌دانستند. برای همین مثلا ماسک می‌زدند اما با همدیگر دست می‌دادند یا همدیگر را بغل می‌کردند: «اما ما سعی کردیم یادشان بدهیم که اصلا چرا ماسک؟ چرا دستکش؟ چرا به هم دست ندهیم و همدیگر را بغل نکنیم؟ ما از یک ویروس برایشان گفتیم. ما به آنها گفتیم شما قهرمان‌هایی هستید که قرار است کرونا را شکست بدهید ولی قهرمان‌ها چه‌کار می‌کنند؟ نکات بهداشتی را رعایت می‌کنند.» حتی روی مینی‌بوس مدرسه هم از قول کرونا نوشته شده که من از بچه‌ها شکست خوردم. خوبی‌اش این است که در این روزهایی که گاهی بداخلاقی‌هایی می‌بینیم و ماسک گران شده و آدم‌ها سوداگری می‌کنند و به دنبال سود و پول خودشان هستند، خیلی از آدم‌ها در بیمارستان‌ها و خیلی‌های دیگر هم در همین سازمان‌های مردم‌نهاد، نیکوکاری را تمام کرده‌اند: «یک‌بار از پدر و مادرهای بچه‌ها دعوت کردیم تا به مدرسه بیایند. شاید باورتان نشود ولی از ۳۰۰ پدر و مادری که آمدند، فقط ده نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند. در واقع این بچه‌ها پدر و مادر آگاهی ندارند که چیزی به آنها یاد بدهند در صورتی که حقشان است بدانند و مراقب سلامت خودشان باشند. نهایتش این است که یک نفر یک ماسک داده و آنها می‌زنند، اما همان ماسک را شاید ده روز پشت هم بزنند و این اوضاع را بدتر می‌کند. برای همین ما سعی کردیم در این روزها، بیشتر از قبل هوایشان را داشته باشیم و حواسمان به آنها باشد.» می‌پرسیم حالا بچه‌ها واقعا توصیه‌ها را جدی می‌گرفتند؟: «آره واقعا خیلی؛ یعنی با دقت به حرف‌هایمان گوش می‌کردند و حواسشان جمع بود. البته خب رعایت کردن همه آدم‌ها نسبی است و شاید به بچه‌های دیگر که آگاهی دارند هم باید مدام یادآوری کنیم و تذکر بدهیم اما اگر کلی بخواهم بگویم، نتیجه موفقیت‌آمیز بود. حداقلش این است که یک گام به جلو برداشته‌ایم و از ناقل بیماری بودن کم کرده‌ایم و خب این برای کم کردن درصدی از خطر، خیلی ارزشمند است.»

درباره صبح رویش

موسسه نسیم صبح رویش از سال ۹۴ و در قالب سازمان مردم‌نهاد کارش را شروع کرده که نقش اجتماعی خودش را در ایجاد فرصت برابر آموزشی برای کودکان کار و در معرض آسیب‌های اجتماعی دیده است.

این موسسه با تاسیس مدارس ویژه کودکان در معرض آسیب‌های اجتماعی و بازمانده از تحصیل در مناطق آسیب‌خیز کشور ایران، به مدرسه مثل نهادی نگاه می‌کند که بهبود شرایط خانواده و محله را در اولویت قرار می‌دهد.

مثلا واحد صبح رویش با بهره‌گیری از نیروهای متخصص خود، برنامه ویژه‌ای را با هدف پیشگیری، مداخله در آسیب‌ها، درمان و ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان دنبال می‌کند؛ یا واحد مددکاری صبح رویش به مسائل و مشکلات محیط پیرامونی کودکان کار در محل زندگی، محل کار، خانواده، اطرافیان و تمام ارتباطات آنها می‌پردازد.

فعالیت مددکاران صبح رویش به گونه‌ای است که در ساعات آموزشی مدرسه در کنار کودکان و در ارتباط مستقیم با آنها حضور فعال دارند و در زمان حضور نداشتن کودکان در مدرسه (کار یا فراغت) با بهره‌گیری از توان و تجربه خود و اطلاعات به دست آمده و ثبت شده در پرونده‌های مددکاری، به حمایت مستقیم در محل کار یا زندگی آنها می‌پردازند.

مثلا جالب است درباره صف در مدرسه صبح رویش بدانید. از آنجا که صف‌های رایج در مدارس که کودکان در کلاس‌های جداگانه به ترتیب قد و پشت سر هم می‌ایستند، خود عامل ایجاد تقابل، رقابت و مقایسه و حتی نبود برابری خواهد بود اما صف مدرسه صبح رویش به حالت مارپیچ طراحی شده است. به طوری که کودکان در کنار هم و دست به دست هم تمرین وحدت و دوستی و رفاقت می‌کنند.

در واقع این مدرسه فرآیندهای رفتاری خود را به گونه‌ای تنظیم کرده که کودکان نه‌تنها آمدن به مدرسه را بی‌علاقه و از روی اجبار انجام ندهند که حتی به مدرسه علاقه و اشتیاق زیادی داشته باشند. با این وجود، هرچند کودکان صبح رویش، خود در معرض آسیب و فقر مادی هستند، اما یکی از برنامه‌های اساسی صبح رویش که به همراه کودکان انجام می‌شود، فعالیت دانش‌آموزان در جایگاه نیکوکاری است.

در واقع رویکرد تربیتی صبح رویش به گونه‌ای است که می‌کوشد تا عزت نفس را در کودکان کار احیا کند. با همه اینها می‌توانیم صبح رویشی‌ها را در این راهی که قدم گذاشته‌اند یاری کنیم.